

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم از آن به که کشور به دشمن دهم

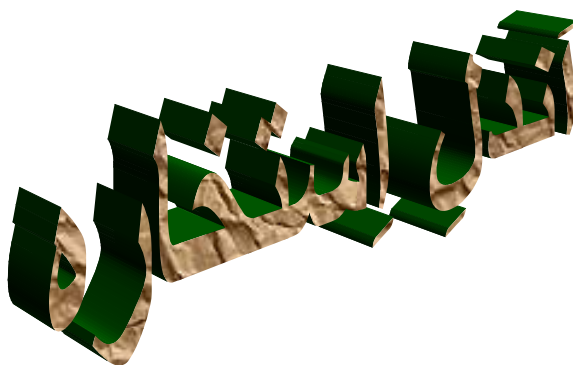
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

ط ن ز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان



دیدى که صبغت الله ، ماسکو روان شد آخر
راز نهفته او ، اینک عیان شد آخر
در زینه طیاره ، یک لنگه و دولنگه
باقامت خمیده ، نرمک دوان شد آخر
طیاره تا بلند شد ، بر آسمان کابل
(صبغت) به استخاره اندل زنان شد آخر
چالان شد استخاره ، در داخل طیاره
با سرعت عجیبی ، هرسو پران شد آخر
انجام استخاره ، اندر فضای ماسکو
گردید و رنگ صبغت ، چون زعفران شد آخر
بنشست تا به میدان ، طیاره جنابش

با دشمنان میهن ، بس مهربان شد آخر
خارج شد از طیاره ، با ورد استخاره
با ناز و با کرشمه ، چشمش چران شد آخر
لرزاند حضرتش را ، سرد هوای ماسکو
چون برگ خشک لرزان اندر خزان شد آخر
تب آمدی سراغش گه (سی و نه) ، (گهی چل)
با سرفه ها و تخ تخ ، عطسه کنان شد آخر
بالنگی و عبا و ، تسبیح و با عصایش
هم دزد و هم نگهبان ، هم کاروان شد آخر
آمد که درس تازه ، گیرد ز بی خدایان
افسانه دجال و ختم زمان شد آخر
ظاهر به مثل رحمان ، باطن بسان شیطان
این دوزخی ۰ دوران ، از تاجران شد آخر
برگشت حضرتش با ، ویروس خوک روسی
فلم نو ۰ سیاست ، عالم نشان شد آخر
باید که تست خوکی میکرد ، صبغت الله
اما چه میتوان کرد ، مانع آن شد آخر
عالی نمایشی بود ، در شرق و غرب عالم
ترقانک قسم ها ، بایک زبان شد آخر
یکسو (فهم جانی) ، سوی دگر (خلیلی)
(کرزی) وسط ستاده ، تحلیفکان شد آخر
آین سه تگای جانی ، بدماش های زانی
با زور استخاره ، هریک جوان شد آخر
در ختم آن مراسم ، بوسید ، کرزی ۰ "ما"
خونین دست صبغت ، تا مهربان شد آخر
بالآخره ، نتیجه ، با زور استخاره
کرزی ، رئیس جمهور ، بی پیشکان شد آخر
اما ، وفانکردی ، کرزی برای صبغت
بیچاره ناامید از ، پیر و جوان شد آخر

گفتند! رو، دعا کن، حاجات ما روا کن
هم استخاره ها کن، رسم زمان شد آخر
این گرگ کله خیره، با فکر تار و تیره
روباه موش چهره، ننگ جهان شد آخر
پیر شواب دیده، مست شراب دیده
چون مرغ خواب دیده، بر آسمان شد آخر
با خشم و قهر گفتا، من رهبر و رئیس
نه چلی و نه ملا، تند زبان شد آخر
آنچه نهان، عیان کرد، راز همه بیان کرد
شکوه ازین و آن کرد، اسپش دوان شد آخر
گفتا که استعفایم تقدیم تان، از الان
تف کرد بر زمین و، از پیروان شد آخر
قانونی اش ز یکسو، کرزی ز سوی دیگر
پوزخند کرده گفتند، خیلی گران شد آخر
این سازک سیاسی، بازار می ندارد
دزد، به کاروانی، گر پاسبان شد آخر
تف را دوباره لیسید، با بازی سیاسی
این زور استخاره، عالم نشان شد آخر
ای کاش استعفا را، واپس نمی گرفتی
یعنی که گور تنگش، آتشفشان شد آخر
«نعمت»! سنا و شورا، دارند استخاره
مرغ کلنگی شان، چون ماکیان شد آخر

توضیح چند لغت:

– کلمه "هندل" که اصلاً انگریزی میباشد، در تداول کابلیان بشکل "اندل" تلفظ می گردد.
– "ترقانک قسم ها" مراد از "قسم ترقانک ها"ست. "قسم ترقانک" اصطلاح کابلی و در معنای "قسم دادن شدید و جلاله" است.

(22 فیروزی 2010)